ادامه از صفحه ۱۲

قالیباف و هاشمی اگر سیاسی نمی‌شدند خیلی بهتر بود

درباره تأمین اجتماعی با انتقال شورای عالی بیمه وزارت بهداشت از منظر سیاست‌گذاری بیمه خدمات درمانی آن هم قاعدتا باید با سیاست‌های وزارت بهداشت خودشان را هماهنگ کنند در برنامه ششم هم این موضوع مورد تاکید قرار گرفته؛ به‌ویژه با راه‌اندازی پرونده خدمات الکترونیک سلامت عملا این هماهنگی‌ها بیشتر خواهد شد.

با توجه به تجربه‌های اخیر، به‌ویژه زلزله اخیر در کرمانشاه که ما شاهد آن بودیم مردم به‌صورت خودجوش و با اعلام حساب‌های شخصی خود و حتی با ورود برخی از سلبریتی‌ها سعی در کمک‌کردن به مردم را داشتند. چقدر مردم و خیرین به معاونت اجتماعی اعتماد دارند؟

خوشبختانه مردم به مدیریت نظام سلامت کشور اعتماد دارند؛ ما روزهای نخست زلزله غرب کشور برای راه‌اندازی خانه‌های بهداشت که تخریب شده بودند، به کانکس نیاز داشتیم که با اعلام معاونت اجتماعی وزارت بهداشت به‌سرعت مردم استقبال کرده و کانکس مورد نیاز ما را تامین کردند. خیرین همچنین متعهد شدند دو بیمارستان در سرپل ذهاب و اسلام‌آباد، پنج پایگاه اورژانس، ۲۲ مرکز جامع سلامت و ۶۲ خانه بهداشت بسازند؛ یعنی چیزی بالغ بر ۷۰میلیارد تومان. خوشبختانه در ایران فرهنگ کار خیر بسیار گسترده است؛ به‌طوری‌که ما در سال ۹۵ چیزی حدود هزارو ۵۰۰ میلیارد تومان کمک خیّران را به نظام سلامت داشتیم و به نظر می‌رسد در سال ۹۶ این رقم بیشتر باشد. البته در همه کشورها موقوفات سلامت بسیار گسترده است.

از یک زمانی به بعد رشد سمن‌ها شدت گرفت؛ به‌طوری‌که درحال‌حاضر تعداد زیادی خیریه و سمن مرتبط با بیماری سرطان و بیماری‌های نادر داریم درحالی‌که در اصل قانون اساسی آمده است بهداشت و آموزش وظیفه دولت است. به نظر می‌رسد دولت این وظیفه را زمین گذاشته به‌همین‌دلیل مردم ورود پیدا کرده‌اند که این خود مشکلاتی را به وجود آورده است مانند تجربه اخیر بیماران ام‌پی‌اس که در خیابان تجمع کردند. نظر شما دراین‌باره چیست؟

حتی در کشورهای توسعه‌یافته که بخش عمده‌ای از تولید ناخالص داخلی (جی‌دی‌پی) به بخش سلامت اختصاص دارد، سازمان‌های مردم‌نهاد سلامت فعال گسترده‌ای دارند. کمک سازمان‌های مردمی منافاتی با اینکه دولت عهده‌دار بهداشت و درمان مردم است، ندارد. فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد به معنی این نیست که دولت وظیفه خود را انجام نمی‌دهد یا نباید انجام دهد؛ اتفاقا در کشورهای توسعه‌یافته تعداد سازمان‌های غیردولی‌شان بیشتر است. در جمهوری اسلامی ایران نیز همان‌طور که اشاره کردید، در سال‌های اخیر تعداد سمن‌های سلامت افزایش پیدا کرده است، مثلا مؤسسه‌ای مثل محک به‌عنوان یک خیریه، به حدود سه هزار و ۴۰۰ کودک مبتلا به سرطان خدمت ارائه می‌دهد. امکان دارد ما به‌عنوان وزارت بهداشت در بیمارستان خدمات ارائه کنیم اما این خانواده‌ها با نیازهایی مواجه می‌شوند که مؤسسه محک می‌تواند آن را انجام دهد یا انجمن «ام‌اس» حمایت‌هایی به عمل می‌آورد که ما به‌عنوان دولت نتوانیم کاری انجام دهیم، به همین علت توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد به‌عنوان یکی از اولیت‌های ما است، ضمن اینکه ما می‌خواهیم سازمان‌های مردم‌نهاد با یکدیگر ارتباط داشته باشند؛ به همین سبب شبکه سازمان‌های مردم‌نهاد را شکل دادیم، مثلا در حوزه سرطان ۷۲ سازمان مردم‌نهاد و خیریه در کشور فعالیت دارند که اینها شبکه ملی سازمان مردم‌نهاد در زمینه سرطان را تشکیل دادند یا در حوزه ایدز ۴۶ سازمان مردم‌نهاد فعالیت دارند که سازمان ملی مردم‌نهاد ایدز را شکل داده‌اند. سازمان‌های مردم‌نهاد نه تنها باید شکل بگیرند بلکه باید شبکه ملی آنها نیز شکل بگیرد. آنها باید مطالبه‌گر باشند و مسائل و مشکلات خودشان را به ما منتقل کنند و ما درصدد رفع آن باشیم، اگر یک سازمان مردم‌نهاد در حوزه بیماری وجود نداشته باشد مشکلاتشان به ما منعکس نمی‌شد. در خیلی از مسائل، ما با توجه به محدودیت‌های منابعی که داریم قادر نیستیم که مشکل را حل کنیم، بنابراین روشن به آنها می‌گوییم ما منابعی نداریم که بتوانیم کاری انجام دهیم در خیلی از موارد هم ما می‌توانیم و درصدد حل مشکل برمی‌آییم.

شما قبلا گفته بودید در حوزه امور اجتماعی وزارت بهداشت تحول ایجاد می‌کنم به نظر خودتان چقدر در این کار موفق بوده‌اید؟

ساختاری که کار خیریه‌ها را تسهیل کند در وزارت بهداشت وجود نداشت؛ ساختاری که بتواند با سازمان‌های مردم‌نهاد ارتباط داشته باشد و حرف‌های آنها را بشنود وجود نداشت و در حوزه آسیب‌های اجتماعی ساختاری که بتواند نقش هماهنگی بین اجزای درون وزارت بهداشت و بیرون وزارت بهداشت داشته باشد، نداشتیم که ما آنها را ایجاد کردیم در حوزه مشارکت‌های بین‌بخشی یک ظرفیت جدید ایجاد کردیم که بتوانیم از ظرفیت بخش‌های دیگر استفاده کنیم؛ مؤسسه‌ای ایجاد کردیم به نام مؤسسه «آوای هنر سلامت» تا تولیدات مختلف هنری و جشنواره‌های گوناگونی را برگزار کنیم یا مثلا در حوزه کانون‌های اجتماعی سلامت‌محور، ما در سطح محلات مختلف چنین ساختاری نداشتیم که حالا با مصوبه‌ای شورای سلامت و امنیت غذایی ما می‌توانیم در محلات کانون‌های اجتماعی سلامت‌محور راه‌اندازی کنیم؛ اینها از جمله کارهایی بود که در این مدت انجام شد.

گزارشی درباره تأثیر ناآرامی‌های اخیر بر صنعت گردشگری کشور

گردشگری و رشته‌هایی که پنبه می‌شود

شرق: در روزهای اخیر بروز اعتراضات و ناآرامی‌ها در کشور بازتاب زیادی در رسانه‌های جهانی داشت، این اعتراضات و انتشار اخبار آن روی بخش‌های زیادی از کشور اثر گذاشت. صنعت گردشگری کشور یکی از این بخش‌ها بود که اخبار این روزها در اولین گام آنجا را تحت‌تاثیر قرار داده است. بر اساس اخبار منتشرشده، برخی از گردشگران خارجی و تورهایی که از مقصد کشورهای اروپایی به ایران راهی بودند، سفر خود را لغو کرده‌اند. آیا این اثر مخرب دوام خواهد داشت؟ باید منتظر ماند. در همین زمینه از یک کارشناس و یک فعال و تورگردان حوزه گردشگری خواسته‌ایم آخرین خبرها و جزئیات در این زمینه را برای مخاطبان «شرق» توضیح دهند. آنچه در ادامه آمده است مشروح نظرات آنهاست.

آغاز هشدارها

● **سمیه کارامد، کارشناس میراث و گردشگری:** در اندک‌زمانی پس از توافق هسته‌ای و شروع به حذف تحریم‌ها علیه ایران (ژانویه ۲۰۱۶)، گردشگری به مقصد ایران توجه زیادی را جلب کرد؛ رسانه‌های مختلف شروع به نوشتن از این مقصد بازگشته به صحنه گردشگری کردند؛ افراد آن را در فهرست آرزوهای خود جای دادند و شهرهای ایران بعد از ۳۷ سال دوباره در برنامه‌های سفر (itinerary) درخشیدند. یکباره گزارش‌ها و مقالات منفی درباره ایران جای خود را به مدح و ستایش‌ها از معماری هوش‌ربا، طبیعت زیبا و مردم میهمان‌نواز این کشور خاورمیانه‌ای دادند و یکباره سفر به ایران تبدیل به «مد روز» شد!

گذشته از آنچه به آن اشاره شد، مهم‌ترین اتفاق به‌روزشدن هشدارهای سفر برای مقصد ایران بود. اصولا هشدارهای سفر (Travel Warning) برای یک مقصد گردشگری، از روابط سیاسی بین کشورها و نیز اتفاقات داخلی آن مقصد خاص نشئت می‌گیرند؛ مشابه آنچه در ترکیه اتفاق افتاد و هشدارهای وزارت امور خارجه به اتباع ایرانی و لزوم اجتناب از سفرهای غیرضروری به شهرهای آشوب‌زده این کشور.

به دنبال توافق هسته‌ای، کشورهای انگلیس و فرانسه هشدارهای مسافرتی علیه ایران را یکباره کاهش دادند. پس از بازگشایی سفارت بریتانیا در تهران در ماه آگوست سال ۲۰۱۵ دولت انگلستان توصیه‌های سفری پیشین خود را برای ایران به‌روز کرد و یکباره (به جز مناطق مجاور در نزدیکی افغانستان، پاکستان و عراق) کل کشور ایران در نقشه راهنما به رنگ سبز و امن برای سفر اعلام شد. دولت فرانسه نیز عملی مشابه و البته قدری محافظه‌کارانه‌تر در پیش گرفت و در دسامبر ۲۰۱۵، قلمرو مرکزی ایران را به رنگ زرد درآورد و فقط برای مناطق مرزی ایران هشدار سفر در نظر گرفت.

در کنار انگلستان و فرانسه، استرالیا، آلمان، بلژیک، کانادا و بسیاری دیگر از کشورها نیز هشدارهای مسافرتی خود برای مقصد ایران را به‌روز کردند و با اطمینان‌بخشیدن از روابط دیپلماتیک مناسب و امکان حمایت از شهروندان خود در هنگام سفر، امنیت روانی آنها برای سفر به این مقصد جدید را تأمین کردند. به زبان دیگر، به ترویج گردشگری ایران کمک شایانی کردند و از این راه در طول دو سال گذشته، با بی‌تغییرماندن

توصیه‌های مسافرتی، جریان شتاب‌گیرنده‌ای از مسافران به سمت ایران به راه افتاده است. ناآرامی‌های شهرهای ایران در هفته اخیر مصادف بود با آخرین روزهای سال میلادی و تعطیلات گسترده در سطح جهان. از روز سه‌شنبه و شروع سال جدید میلادی اولین ترکش‌های بین‌المللی این ناآرامی‌ها به این مقصد گردشگری اصابت کردند: لغو سفر وزیر امور خارجه فرانسه که برای تأمین مقدمات سفر رئیس‌جمهور آن کشور رهسپار ایران بود و نیز به‌تعلیق‌درآمدن بعضی تورهای گردشگری فرانسوی به مقصد ایران!

در ماه‌های اخیر لبخند رضایت تورگردانان و راهنمایان تور ایرانی حاکی از موفقیت آنها در دوباره‌آوردن فرانسوی‌های محافظه‌کار به ایران بعد از چهار دهه بود. همان‌ها که با گاردی بسته از هواپیما پیاده می‌شدند و در پایان روز اول سفرشان، عاشق این کشور شده بودند و در بازگشت به فرانسه، دوستان خود را با ایران آشنا و به این سفر ترغیب می‌کردند... .

فقط فرانسوی‌ها نیستند که با بدگمانی آمیخته به ترس مقصد ایران را زیر نظر دارند، آلمانی‌ها و اتریشی‌ها نیز اگرچه هنوز سفرهایشان را تعلیق نکرده‌اند، اما در حال تبادل اطلاعات با همتایان ایرانی و پرس‌وجوی اوضاع و امنیت ایران‌اند. کانال‌های تلویزیونی در آلمان و اتریش، همچون کانال‌های فرانسوی مستمر در حال پوشش اعتراضات مردمی در ایران هستند. اگرچه این پوشش‌های خبری به سمت توضیح واقعیات روز ایران و به‌رسمیت‌شناخته‌شدن حق اعتراض توسط حاکمیت (و مخالفت حاکمیت با اغتشاش) پیش می‌رود و جملگی سعی در تهیه تصویری عادلانه از ایران دارند، اما کمتر کسی است که به حکم عقل سلیم علاقه به سفر به منطقه‌ای ناامن داشته باشد.

پس از دو سال ثبات مقصد گردشگری‌مان در چشمان دنیا، هشدارهای سفر کشورهای مذکور در بالا و بسیاری بیشتر در روزهای اخیر بلافاصله تغییر کرده و به شهروندان خود که پیشاپیش در ایران‌اند یا رهسپار ایران هستند، توصیه دوربودن از تجمعات و شلوغی‌ها را می‌کنند و البته آماده به زنگ بودن برای خروج سریع از ایران! به سادگی آنچه در دو سال رشته بودیم، در حال پنبه‌شدن است... .

خودزنی

● **امید شکوهی، فعال گردشگری:** «توسعه متوازن و جامع به عنوان هدف مهم ملت ایران، حداقل از زمان مشروطه تا امروز مدنظر بوده و گردشگری سکوی حرکت به سمت توسعه و کوتاه‌ترین پل میان ملت‌های جهان است»، «ما با برجام سفره‌مان را برای میهمانان و گردشگران خارجی باز کردیم» اینها گزیده‌ای از دو سخنرانی دکتر روحانی، رئیس‌جمهوری اسلامی ایران در سال گذشته و سندی بر اهمیت و نقش گردشگری پس از برجام است.

با انتخابات سال ۱۳۹۲ امیدی هرچند اندک به کوچه‌پس‌کوچه‌های سوت‌وکور گردشگری ایران بازگشت. پس از برجام مجلات بزرگ و معتبر از لزوم کشف پارسی گفتند که سال‌ها بود از یاد دنیا رفته بود. مجلات و روزنامه‌ها و برنامه‌های تلویزیونی بسیاری از لزوم سفر به ایران برنامه‌ها ساختند. از سال ۲۰۱۵ گردشگران خارجی با گاردی بسته ایران را به‌عنوان مقصد فرهنگی غنی خود انتخاب می‌کنند و در نخستین ساعات حضور در ایران این گارد کنار می‌رود و ثروت سرزمین پارس جایگزینش می‌شود. رئیس‌جمهوری اسلامی ایران نهم بهمن سال گذشته در کنوانسیون راهنمایان گردشگری جهان که برای اولین‌بار در ایران برگزار می‌شد، آمار چشمگیر و تأمل‌برانگیزی از رشد ورود گردشگران اروپایی به کشور ارائه داد و گفت: افزایش حضور گردشگران در ایران بدون‌شک از پیامدهای برجام و نشان‌دهنده آن است که دروازه کشورمان به روی میهمانان خارجی بازتر از گذشته است؛ فرایندی که نویدبخش تحول در اقتصاد غیرنفتی و اشتغال‌زایی به‌عنوان دو فراورده حیاتی برای اهداف راهبردی و سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران است. گردشگری ایران با پتانسیل بی‌حدش، با زحمات عزیزانی در این صنعت حساس، پس از سال‌ها حال بد، در مسیر رونق خود قرار گرفته است؛ صنعتی که به طور مستقیم معاش مردم را درگیر می‌کند و به شهرهای کوچک و بزرگ رونق می‌بخشد و شغل‌های بسیاری را به پا کرده. در سال‌های اخیر، ایران بر سر زبان گردشگران افتاده است. به نقل از فرانسویان: «این روزها ایران مد شده». هفته‌ای که گذشت، پر بود از اتفاقاتی که با ناآگاهی ما از چگونگی ابراز مطالبات‌مان می‌تواند آسیبی جدی در مسیر ایرانی باشد که با سرعت بسیار پایین در حال گشودن درهای خود به سوی جهان است.

من به‌عنوان راهنما و فعال گردشگری در ایران در هفته اخیر پیام‌های بی‌شماری از گردشگرانی دریافت کردم که سفرهای خود را در سال ۲۰۱۸ معلق کردند. سفر لودریان، وزیر امور خارجه فرانسه که قرار بود این هفته به ایران انجام شود و مقدمات سفر امانوئل مکرون را آماده کند، به تعویق افتاد. این اخبار با زندگی مستقیم و غیرمستقیم خیلی از مردمان شهرهای کوچک مرتبط است. این اخبار می‌تواند ناامیدی در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی را به همراه داشته باشد و می‌تواند ما را به دوره‌ای بازگرداند که به نفع هیچ‌یک از ما نیست. مطالبه‌گری را ادامه دهیم؛ نه آشوب را که دومی خودزنی‌ای بیش نیست.

ادامه از صفحه ۱۲

بلایای طبیعی و تغییرات اجتماعی

به‌طورکلی ما سه نوع جابه‌جایی موقت در مناطق آسیب‌دیده خواهیم داشت: نخست، هجوم افراد کم‌درآمد اطراف برای دریافت کمک‌هایی که به بازماندگان می‌شود. دوم، عده‌ای که به‌دلیل تقسیم ارث وابستگان‌شان وارد شهر می‌شوند و سوم، نیروهایی که برای بازسازی و کمک‌رسانی وارد مناطق می‌شوند، در مورد دسته سوم هم اگر از آموزش‌های تخصصی شامل چگونگی رفتار با بازماندگان، نوع پوشش و آرایش و... قبل از ورود به منطقه آگاه نشوند، ناخواسته باعث تغییرات رفتاری در منطقه خواهند شد؛ ازسوی‌دیگر، اگر این افراد به‌صورت گمنام و ناشناس و بدون رزومه وارد منطقه شوند، در صورت انجام رفتارهایی موقت و بدون نظارت حقوقی برای ارضای نیازهای جنسی و عاطفی، در طولانی‌مدت باعث افزایش آسیب‌های اجتماعی برای دختران و زنان آسیب‌دیده در آن منطقه خواهند شد.

از سوی دیگر مناطق آسیب‌دیده با پدیده‌ای به نام بی‌سرپرست‌شدن کودکان و خودسرپرست‌شدن زنان مواجه هستند. برای مثال، طبق آمار یونیسف که در استانداری کرمان در سال ۱۳۸۲ ثبت شده است، در زلزله بم ۱۸ هزار کودک، هم پدر و هم مادر و پنج‌هزار کودک نیز یکی از والدین خود را از دست داده‌اند که همه اینها با وجود اجرای مداخلات روانی-اجتماعی کوتاه‌مدت تیم‌های خبره روان‌شناسی خارجی و داخلی غیربومی و روان‌شناسان متخصص و پیگیر مرکز بهداشت بم، پیامدهای روانی و اجتماعی طولانی‌مدتی داشته‌اند که همچنان آن را در بم مشاهده می‌کنیم.

از سوی دیگر، رخدادهای طبیعی با خراب‌کردن خانه و سرپناه مردم آن منطقه باعث می‌شود بازماندگان فاجعه مجبور به اقامت در سکونتگاهی شوند که هیچ شباهتی به خانه و زندگی قبلی‌شان ندارد و مجبور به تحمل الگوهایی از رفتارهای خانوادگی و اجتماعی هستند که به اجبار به آنها تحمیل می‌شود؛ مانند زندگی گروهی با دیگر خانواده‌ها و ازدست‌دادن حریم‌های محرم و نامحرم، از سوی دیگر زندگی و اقامت در این مکان‌ها در هریک از گروه‌های اجتماعی با تفاوت‌های جنسیتی، درآمد، نژاد، منطقه مسکونی قبل از فاجعه تجربه‌های متفاوتی را برای هر یک ایجاد خواهد کرد که جزء تقسیم‌بندی‌های آسیب‌های محیطی و اجتماعی فاجعه است.

تلگرام؛ آزادسازی یا فیلتر دائم؟

شرق: فیلتر می‌ماند یا می‌رود؟ کسی هنوز نمی‌داند. از یک‌سو وزیر ارتباطات در حاشیه هیئت دولت به مدیر اپلیکیشن تلگرام هشدار داد درصورتی‌که این اپلیکیشن به خواست مردم احترام نگذارد و کانال‌های تروریستی را حذف نکند، فعالیت آن در ایران متوقف می‌شود. از سویی دیگر برخی منابع خبر می‌دهند گفته شده «رئیس‌جمهور روحانی با فیلترینگ بلندمدت اینستاگرام و تلگرام مخالفتی محکم و جدی کرده و نهادها و وزارتخانه‌های مسئول، مصوبه فیلترینگ را ۲۴ ساعت به ۲۴ ساعت تمدید و اجرا می‌کنند». واقعیت ماجرا چیست؟ کسی هنوز اطلاع دقیقی از ماجرا ندارد؛ اما همه این را می‌دانند که فیلتر تلگرام نارضایتی زیادی را برای ۴۰ میلیون کاربر این پیام‌رسان ایجاد کرده است؛ کاربرانی که البته حالا سه روز است خیلی‌هایشان با ابزار فیلترشکن همچنان مشغول استفاده از آن هستند.

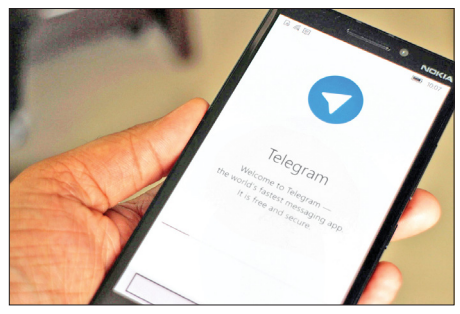

بر اساس خبری که رسانه‌ها از حاشیه جلسه روز گذشته هیئت دولت منتشر کردند، جهرمی، وزیر ارتباطات، گفته است: «ما با صلاح شورای امنیت کشور با مدیر پیام‌رسان تلگرام مکاتبه کردیم و از او درخواست کردیم بنا بر مدارکی که موجود است، فعالیت یک کانال را متوقف کند و او نیز سه کانال از مجموعه این کانال‌ها را بست؛ اما مجدد این کانال ایجاد شد و با توجه به ضعف نقاط مرجع خبری در کشور ما، هجوم مردم به سمت اینکه بخواهند بدانند چه خبر است و اطلاعات چگونه است، مراجعات به آن زیاد شد».

به گفته جهرمی، مدیر تلگرام با وجود تعهداتی که خودشان دارند، به مقررات خود پایبند نبود و همکاری نکرد. او البته اعلام کرد از شورای امنیت کشور پیگیری شده که در نقاطی که آرامش بازگشته، اجازه داده شود فعالیت برخی شبکه‌های مجازی را از سر بگیریم.

در همین حال، روز گذشته روح‌الله جمعه‌ای، مشاور وزیر کشور، در رابطه با موضوع فیلترینگ تلگرام این‌طور گفت: «چنانچه مسئولان شبکه‌های اجتماعی پایبند به قوانین بین‌المللی و ضوابط و آداب و رسوم و فرهنگ داخلی نباشند، قطعا مردم برای رفع نیازهای خود در فضای رقابتی تکنولوژیکی سراغ ظرفیت جایگزین خواهند رفت و امیدواریم شبکه‌های اجتماعی پرتعداد فعلی، خود را با قواعد بین‌المللی و فرهنگ داخلی تطبیق دهند؛ در غیر این صورت، معرفی شبکه‌های اجتماعی با توان و امکانات متنوع بالا از سوی مراجع ذی‌صلاح، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و هرچند ممکن است انتقال اطلاعات بازاریابی اقتصادی و اجتماعی با زحمت باشد؛ اما به‌سرعت امکان جابه‌جایی دارد».

این خبر را خبرگزاری ایسنا با این تیتر منتشر کرد: «شرط رفع فیلتر تلگرام و اینستاگرام از زبان مشاور وزیر کشور». او همچنین گفت: «حفظ هویت فرهنگی و اعتقادات مذهبی و امنیت ملی از مهم‌ترین مطالبات اجتماعی و عمومی از دولت است؛ بر همین اساس، هر آنچه که به امنیت روانی، فکری و آسایش عمومی مردم آسیب وارد کند، عنصری نامطلوب و نپذیرفتنی ارزیابی می‌شود و تفاوتی میان اسلحه جنگی و نرم‌افزار حامی و مروج تروریسم وجود ندارد».

او با تأکید بر اینکه دیگر نمی‌توان در منازعات و جنگ‌ها صرفا به بُعد سخت‌افزاری آن توجه داشت و امروزه استفاده از ابعاد نرم‌افزاری مشابه کارکرد نرم‌افزارهای شبکه‌های اجتماعی، کاربرد وسیع‌تری پیدا کرده است، افزود: طبیعی است صاحبان نرم‌افزارهای شبکه‌های اجتماعی علاوه بر منافع شخصی و سوددهی بالا برای خود، باید به منشور حقوق بشر و قوانین بین‌المللی پایبند باشند و فضای خود را در اختیار برهم‌زنندگان نظم عمومی و عاملان خونریزی و اغتشاشات که از سوی همه مردم محکوم هستند، قرار ندهند. با این توضیحات، به نظر می‌رسد تصمیم و موضع دولت بیشتر بر ادامه فیلترینگ تلگرام است؛ یا اینکه آنها در حال ارسال پیام‌های جدی و بدون مماشات با مدیران تلگرام هستند که برای بستن کانال‌های یادشده جدی‌تر عمل کند. حال باید دید در روزهای آینده وضع به چه سمت‌وسویی خواهد رفت. در همین حال، روز گذشته خبری به نقل از آیت‌الله ناصر مکارم‌شیرازی منتشر شد به این شرح: «بارها به مسئولان محترم از رئیس‌جمهور و دیگران هشدار دادیم که این فضای مجازی بلای جان شماست». به گزارش ایلنا، در بیانیه‌ای که روز گذشته از سوی این مرجع تقلید در درس خارج از فقه قرائت شد، او از تلگرام به‌عنوان «لجنزار متعفن» یاد کرد و افزود: «نگویید موقت قطع کردیم و دوباره برمی‌گردیم؛ راستی عجیب است این شیاطین هم دوباره برمی‌گردند؛ همان آش و همان کاسه». در بخش دیگری از گفته‌های این مرجع تقلید آمده است: «یک نفر مزدور موساد و سیا در خارج نشسته و برای ۱۰ میلیون نفر به آسانی پیام می‌فرستد که فردا فلان ساعت بیرون ریخته و اغتشاش کنید؛ حتی طرز ساختن بمب‌های دست‌ساز را هم به آنان یاد می‌دهد».